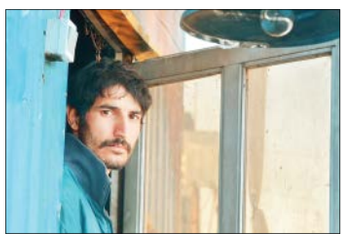
خبر

ناکامی «نگهبان شب» در ماراتن اسکار

آکادمی اسکار فهرست اولیه ۱۰ بخش خود از جمله نامزدهای بهترین فیلم بین‌المللی، مستند بلند و انیمیشن کوتاه را اعلام کرد. به گزارش ورایتی، ۱۰ بخش از اسکار نودوششم نامزدهای اولیه خود را شناخت. در میان ۱۵ فیلمی که در رقابت اسکار بین‌المللی ۲۰۲۴ باقی ماندند «آمریکاتسی» از ارمنستان، «راهب و اسلحه» از بوتان، «سرزمین موعود» از دانمارک، «برگ‌های افتاده» از فنلاند، «طعم چیزها» از فرانسه، «تالار معلمان» از آلمان، «سرزمین خدا» از ایسلند، «من کاپیتان» از ایتالیا، «روزهای عالی» از ژاپن، «توتم» از مکزیک، «مادر همه دروغ‌ها» از مراکش، «جامعه برف» از اسپانیا، «چهار دختر» از تونس، «۲۰ روز در ماریوپل» از اوکراین و «منطقه مورد علاقه» از انگلستان فیلم‌هایی هستند که در رقابت بخش بین‌المللی باقی مانده‌اند. به این ترتیب «نگهبان شب» ساخته رضا میرکریمی که نماینده ایران در این بخش بود از ادامه مسیر بازماند. در شاخه انیمیشن کوتاه نیز فیلم «یونیفورم ما» ساخته یگانه مقدم محصول ایران به فهرست اولیه جایزه این بخش راه پیدا کرد تا در ادامه مسیر با انیمیشن‌هایی چون «بوم»، «ایوا»، «هومو»، «من هیپ هستم»، «نوعی عهدنامه»، «کورکورتر «سگ آپارتمان»»، «نامه‌ای به خوک»، «حواس نودوپنج»، «روزی روزگاری استودیو»، «پاکیدرم»، «پیت»، «۲۷»، «جنگ تمام شد! با الهام از موسیقی جان و یوکو» و «احضار وحشی» رقابت کند.



زاویه دید

فراموشکاری تاریخی درباره «آقای خاص»

مستند «آقای خاص» روایتی از دوران مربیگری محمد بنا در تیم ملی کشتی فرنگی است. این مستند به کارگردانی سجاد ترابی و محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که به‌تازگی در جشنواره سینما حقیقت روی پرده رفت.

روایت آقای خاص از تلخ‌ترین و بحرانی‌ترین روزهای مربیگری محمد بنا، سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی ایران در مسابقات جهانی کشتی فرنگی در صربستان ۲۰۲۲ شروع می‌شود؛ یعنی روزهایی که تیم ملی کشتی فرنگی به‌رغم انتظارات بالایی که در کسب مدال داشت به نتایج مطلوب نرسید و به‌رغم محرومیت روسیه از این مسابقات (به‌دلیل حمله به اوکراین) گرچه شانس اول قهرمانی جهان را داشت اما ناکام ماند و با کسب دو مدال نقره و یک برنز در جایگاه چهارم جهانی قرار گرفت و از قرارگرفتن بر سکوی جهانی بازماند و پس از آن انگشت اتهام این عدم توفیق به سمت بنا گرفته شد.

این مستند از روزهایی شروع می‌کند که بنا متهم به خروج برخی از قهرمانان از ایران و حضورشان در زیر پرچم کشورهای دیگر و مدال‌آوری برای آنان شد و به نظر می‌رسد که فیلمساز با این اتهام همراهی می‌کند، کمی بعدتر اما فلاش‌بک می‌زند به روزهای طلایی این مربی و چهره‌ای که ایران را بر مسند جایگاهی نشاند و پس از آن تثبیت کرد که پیش از او ایران اساساً حرفی برای گفتن در این عرصه نداشت، عرصه‌ای به نام کشتی فرنگی. مستند آقای خاص با همین فرمان جلو می‌رود و در ادامه فلاش‌بک‌هایش «بنا»ی جوان را نشان می‌دهد که با چه عشق و شوری پا به عرصه کشتی ایران می‌گذارد، به‌عنوان یک کشتی‌گیر وارد تیم ملی می‌شود، می‌جنگد و جلو می‌رود اما شرایط و تلاقی‌های سیاسی او را از حضورهای بین‌المللی که هر ورزشکاری آرزوی آن را دارد بازمی‌دارد. این بازدارندگی اما چیزی از عرق و عشق ملی او نمی‌کاهد و هم اوست که پس از آن در قامت مربی به تیم ملی کشتی ایران می‌آید و چنان با صلابت در این مسیر گام برمی‌دارد که روزی از سوی فدراسیون جهانی کشتی به‌عنوان بهترین مربی جهان و نیز بهترین مربی قرن ایران معرفی می‌شود.



این مستند به گفته سازنده‌اش حسین ترابی، دنبال دفاع مستقیم از محمد بنا نیست و صرفا می‌خواهد فراموشکاری تاریخی مردمی را به رخ‌شان بکشد که گذشته را از یاد برده‌اند. در فلاش‌بک و فلاش فورواردهای مستند آقای خاص با فراز و فرودها، بی‌مهری‌ها و خداحافظی‌های چندباره بنا از تیم ملی روبه‌رو هستیم؛ بی‌مهری‌ها به شخصیتی که کاخ کشتی فرنگی ایران را خشت به خشت بنا نهاد تا از «هیچ» چیزی بسازد که پس از آن مایه افتخار یک ملت از خلال دهه‌ها شود.

آقای خاص با روایت خوب فرزاد حسنی به‌عنوان راوی، تنها یک هدف و یک خواسته را دنبال می‌کند و آن این که آگاهی تاریخی در هر عرصه‌ای به تعامل مثبت منجر می‌شود و این مهم وقتی بسیار اهمیت می‌یابد که یک قهرمان ملی را به‌ناحق در تقابل ملتش قرار می‌دهد.

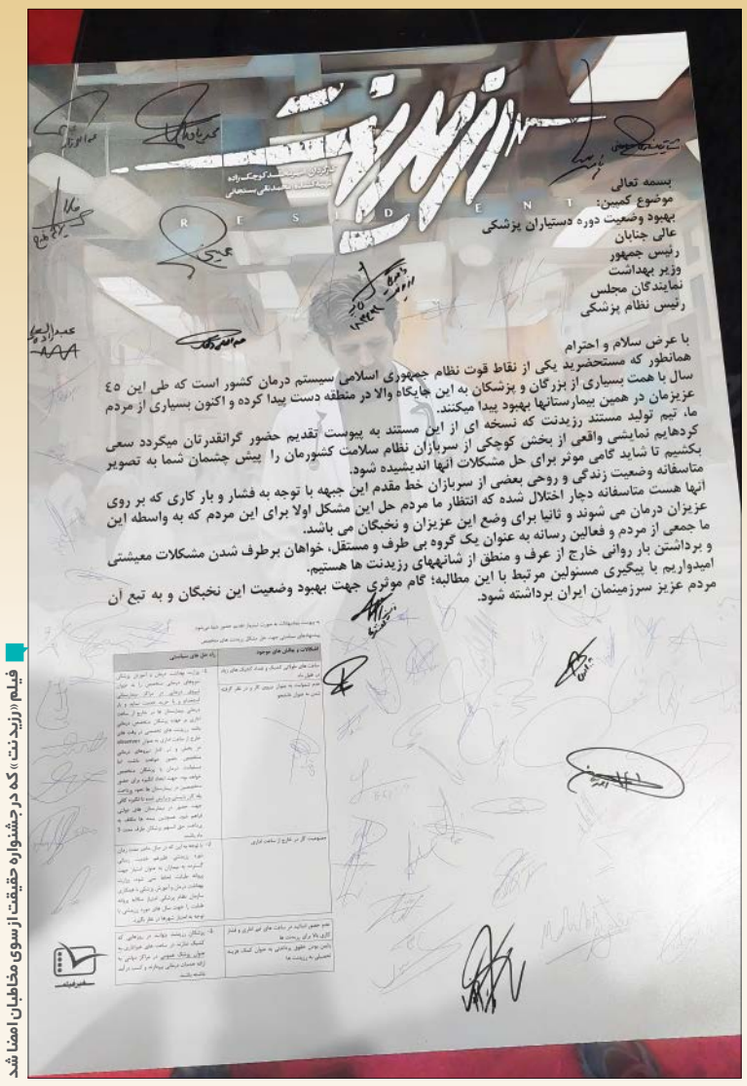
آقای خاص خوب ساخته و تدوین شده و تا انتها از ریتم و هیجان نمی‌افتد، البته خلأهایی هم دارد مانند نپرداختن به زندگی شخصی بنا که دانستنش جذابیت قصه را بالاتر می‌برد یا شیوه منحصربه‌فردی که او در مدیریتش دارد؛ همین کاستی‌هاست که سازنده این اثر را به این فکر انداخته که شاید نیاز باشد که مستندی دیگر برای محمد بنا ساخته شود که هم همه جنبه‌های دیگر زندگی شخصی و اجتماعی‌اش را به تصویر بکشد و هم تمام مطلب را در حق او بیان کند.

امیر کوچک‌زاده، مستندساز «رزیدنت» در گفت‌وگو با «جام جم» مطرح کرد:

مطالبه‌گری از قانون ۴۰ ساله

مستند «رزیدنت» به کارگردانی امیر کوچک‌زاده، جزو آثاری است که امسال در بخش بلند ملی هفدهمین جشنواره فیلم حقیقت حضور دارد. این مستند به مشکلات کاری رزیدنت‌ها و قوانین نادرستی که در ارتباط با این شغل سخت و طاقت‌فرسا شکل گرفته، می‌پردازد. اکران این مستند بهانه‌ای شد تا با امیر کوچک‌زاده، سازنده «رزیدنت» در رابطه با این‌که چطور به فکر ساختن این مستند افتاد، گفت‌وگو کنیم که در ادامه از نظرمی‌گذرانید:

نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر



فیلم «رزیدنت» که در جشنواره حقیقت از سوی مخاطبان امضا شد

چه شد که تصمیم گرفتید رزیدنت را بسازید و آیا خودتان دانشجوی پزشکی هستید یا خیر؟

من دو سال پیش دانشجو بودم و در فضای مطالبه‌گری و تشنجی که دانشجویان دسته دسته مهاجرت می‌کردند، بودیم. دانشجوی پزشکی نیستم اما شروع فرآیند پژوهشی کار از دغدغه‌های دانشجویی‌ام مربوط به علت مهاجرت در رشته‌های مهندسی، پزشکی، هنری و... بود. در حین پژوهش‌ها با دو مورد خودکشی رزیدنت‌ها روبه‌رو شدیم و این باعث شد توجه ما بیشتر روی پزشکی و رزیدنت‌ها جلب شود. وقتی کارمان را شروع کردیم، متوجه شدیم تا چه اندازه فضای کار رزیدنت‌ها مغفول مانده و مسائل و بحث‌هایی قابل بررسی دارد و به طور تقریبی از همان‌جا بود که بیشتر روی رزیدنت‌ها متمرکز شدیم.

شما چندین موضوع را در مستند خود از قبیل سپرده شدن بحث آموزش از وزارت علوم به وزارت بهداشت، تعهد گرفتن غیررسمی از مادران رزیدنت برای باردار نشدن به دلیل فشار کاری یا زیاد بودن ساعت کاری رزیدنت‌ها را مطرح کردید اما نقطه اتکای اصلی شما در این مستند، بیشتر روی چه موضوعی است؟

بحث اصلی ما بررسی وضعیت الآن آموزش پزشکی است که تمرکزمان بیشتر روی رزیدنت‌هاست، چون بحران مهم ما همین‌جاست و به طور تقریبی درمان ما هنگام مراجعه به یک بیمارستان دولتی به عهده رزیدنت است. البته انترن‌ها هم هستند اما معمولا تحت آموزش هستند و کار زیادی انجام نمی‌دهند و بیشتر فشار روی رزیدنت‌هاست. درواقع مشکل موجود در نظام سلامت را بیشتر در رابطه با دغدغه‌های رزیدنت‌ها مطرح کردیم. ما پیوستی به سال ۶۴ و قانونی که در مجلس تصویب شد، زدیم. در همان‌جا در جلسه‌ای سه‌ساعته، جدا شدن آموزش از وزارت علوم و پیوستن آن به وزارت بهداری و تشکیل وزارت بهداشت، آموزش و درمان فعلی تصویب شد و شکل گرفت.

ارتباط این موضوع با الآن این است که در آن جلسه سال ۶۴، به طور مداوم نمایندگان مخالف و موافق، صحبت‌هایی می‌کنند که نتیجه آن در حال حاضر قابل مشاهده است. وقتی گفته‌های موافقان و مخالفان را بعد از ۴۰ سال بررسی می‌کنیم، می‌بینیم بسیاری از مسائلی که موافقان با امید تصویب کردند، حالا محقق نشده است.

به هرحال، مستند ما در جایگاه ارائه راه‌حل نیست، بلکه برای شروع صحبت و بیان یک بحران است. مشکل ما قرار نگرفتن سوژه‌ها به دلیل ترس یا هر موضوع دیگری، جلوی دوربین بود و فقط آقای دکتر سلحشور و خانم دکتر برهانی حاضر شدند، بیایند. خانم دکتر برهانی مشکلات مادران رزیدنت را پیگیری می‌کرد. یکی از مشکلات مادران رزیدنت علاوه‌بر تحمل تمام سختی‌های مرسوم رزیدنت‌های خانم و آقا، تعهد اضافی غیررسمی بود که از آنها برای باردار نشدن می‌گرفتند.

فرآیند دریافت مجوز در مستند شما چطور بود و چه مشکلاتی داشتید؟

ما به طور تقریبی از وزارت بهداشت نتوانستیم مجوز بگیریم، چون اصلا نیامدند با ما صحبت کنند. در بخش‌هایی از مستند هم می‌بینیم که دائم در حال پاسکاری ما هستند. درواقع سازمان نظام پزشکی پای کار آمد، اما وزارت بهداشت حاضر نشد. از طرف دیگر دریافت مجوز در بیمارستان هم مراحل خیلی سختی داشت.

یکی از مشکلات مادران رزیدنت علاوه بر تحمل تمام سختی‌های مرسوم رزیدنت‌های خانم و آقا، تعهد اضافی غیررسمی بود که از آنها برای باردار نشدن می‌گرفتند

مخاطبان اصلی مستند شما چه کسانی هستند و آیا مردم را در دایره مخاطبان خود قرار دادید؟

به طور طبیعی، مسئولان و تصمیم‌سازان می‌توانند کاری انجام دهند و کار برای آنها در اولویت ما است، اما یک سر این بحران متوجه مردم می‌شود، چون یکی از بحث‌های ما سر میز تدوین این بود که چگونه این مباحث تخصصی مشکلات رزیدنت‌ها را برای مخاطبان عام مطرح کنیم؟ تلاش ما این بود که مستند به گونه‌ای ساخته شود که مخاطب عام هم داشته باشد و در جشنواره فیلم حقیقت هم بخشی از مخاطبان فیلم مردم عادی بودند و حتی بسیاری بعد از نمایش فیلم از دیدن این شرایط رزیدنت‌ها که اطلاعی از آن نداشتند، گریه می‌کردند. از طرفی هم خود پزشکان حساسند که مباحث مربوط به آنها رسانه‌ای نشود؛ چون ممکن است به شأن‌شان توهین شود، اما این مستند کمک می‌کند دیدگاه درست‌تری به پزشکان و جامعه پزشکی داشته باشیم.

آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که در ایران هم مثل خارج از کشور برای رزیدنت‌های ایرانی قانونی مشابه قانون لیبی‌زیون در خارج از کشور تصویب شود که بتوانیم به واسطه آن فشار کاری را از روی آنها برداریم تا خطاهای آنها به حداقل برسد؟

ان‌شاءا...، حتما و امیدواریم این اتفاق بیفتد. کار ما تنها ساخت یک مستند نیست و در فضای مطالبه‌گری کار را جلو بردیم و همان‌طور که در فیلم دیدید، دو سوژه اصلی فیلم ما مطالبه‌گر هستند. ما برای مطالبه‌گری این مستند را ساختیم. آقای دکترسلحشور بیشتر در فضای مالی رزیدنت‌ها تلاش می‌کرد و خانم دکتر برهانی هم بیشتر در فضای مادران.

به هرحال در آمریکا به واسطه خطای رزیدنت‌ها، دختری فوت کرد و از آن به بعد با اعتراض پدر دختر، با فشار افکار عمومی و رسانه‌ای قانون لیبی‌زیون برای کاهش ساعت‌های کاری رزیدنت‌ها تصویب می‌شود و تلاش ما نیز در همین جهت است و همزمان با رونمایی از فیلم، ماکارزاری را شروع کردیم تا ان‌شاءا... در آینده به بهبود وضعیت رزیدنت‌ها و تصویب قانون منجر شود.

تصویب این قانون کار حساسی است و هم مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، هم وزارت بهداشت و هم سازمان برنامه و بودجه باید دخیل باشند. درواقع چیزی نیست که بگویم در این بخش رزیدنتی با این قانون تغییر می‌کند و ما حدود چهار پیشنهاد را که در خِلال پژوهش‌های خود به آن رسیدیم، برای بهبود شرایط در کارزارمان مطرح کردیم، اما می‌خواهیم با ساخت این مستند موجی راه بیفتد که صدای ما به مجلس برسد تا شاهد تغییری در ساعات کار، وضعیت مالی و کیفیت آموزش ایجاد شود یا این‌که شفاف شود رزیدنت‌ها نیروی کار هستند یا دانشجو؛ چون مهم‌ترین موضوعی که در مورد این قشر وجود دارد این است که در بعضی موارد دانشجو و گاهی اوقات هم نیروی کار هستند.

شما بحث مهاجرت کادر درمان را مطرح کردید؛ چقدر فکر می‌کنید ساخت «رزیدنت» مانع این روبه می‌شود؟

این کار جزو دغدغه‌هایم بود، چون همان‌طور که گفتم ابتدای مستند با دغدغه مهاجرتی شروع شد. هدف این است که بگوییم اگر مشکلی اینجا وجود دارد باید برای اصلاح آن تلاش کنیم تا از کشور نرویم. بسیاری از پزشکان می‌گویند ناامیدیم، اما وقتی با من صحبت می‌کنند، می‌گویم حضورتان نیاز است تا این آب راکدی که وجود دارد را به حرکت دربیاوریم و تغییری ایجاد کنیم.

همزمان با رونمایی از مستند، رویدادی را در هفدهمین جشنواره حقیقت داشتید؛ درباره آن توضیح دهید؟

ما دو اکران در خانه جشنواره حقیقت واقع در پردیس چارسو داشتیم، بعد از اکران، تماشاچیان می‌آمدند و پای کارزاری که برای رزیدنت‌ها راه‌انداخته بودیم، امضا می‌کردند که در آینده به مجلس برسد و در آینده هم امضای اینترنتی به این کارزار اضافه می‌شود، اما به هرحال شروعی بود و ما همزمان با مستند آن را هم برای مجلس، هم وزارت بهداشت و هم نهادهای مربوطه که می‌توانند تأثیری داشته باشند، ارسال می‌کنیم. به عبارتی، هم رزیدنت‌ها و خانواده‌شان و هم مردم عادی و همه گروه‌هایی که فیلم را دیدند، خواهان این موضوع بودند.

کار ما فقط ساخت یک مستند نیست و در فضای مطالبه‌گری کار را جلو بردیم تصویب این قانون کار حساسی است که باید نهادهای مختلفی در آن دخیل باشند

حضور «رزیدنت» را در جشنواره فیلم مستند چطور ارزیابی می‌کنید و آیا به جایزه هم فکر می‌کنید؟

جایزه نه واقعا؛ چون این کار از سر دغدغه شکل گرفت و در بعضی موارد به دلیل چالش‌ها سعی کردیم بعد هنری کار را کنار بگذاریم، اما جشنواره محلی است که صدای مستند شنیده شود تا به نیت‌مان و پیشبرد کارزارمان کمک شود.

برش

تلنگری به نظام سلامت کشور

احتمالا ما تلنگری می‌زنیم و شاید مسئولان رده‌بالای ما از این اتفاقات خبر ندارند. حقیقتی در این مستند مطرح می‌شود که نمی‌خواستند گفته شود اما همین که خواستیم این موضوع را مطرح کنیم، سنگ‌اندازی‌های خیلی زیادی سر راه‌مان بود و حتی مجوزی برای بردن دوربین به دانشگاه پزشکی نداشتیم. همه اینها نشان می‌داد اتفاقی می‌افتد که نمی‌خواهند گفته شود. نتیجه این نگفتن‌ها متوجه رزیدنت‌ها، دانشجویان تخصصی و پزشکان و روی سلامت مردم تأثیر می‌گذارد. به هرحال، ما روایتی از زبان رزیدنت‌ها بیان کردیم تا به گوش مسئولان برسد که تصمیمی بگیرند، چون اگر این مدیریت نشود، بحرانی در نظام سلامت ما به وجود می‌آورد و شاهد موج مهاجرت و کاهش کیفیت در نظام سلامت درمان هستیم.



قاب

اقباشاوی سراغ «قرارگاه سری» رفت



فیلم سینمایی «قرارگاه سری» به نویسندگی و کارگردانی دانش اقباشاوی در آبادان در حال فیلمبرداری است.

به گزارش جام جم، فیلمبرداری این فیلم به کارگردانی دانش اقباشاوی و تهیه‌کنندگی جلیل شعبانی در شهرهای اهواز و آبادان در حال انجام است.

این فیلم مقطع مهمی از زندگی شهید علی هاشمی از فرماندهان مطرح دفاع‌مقدس را در شناسایی و طرح‌ریزی عملیات خیبر در قرارگاه سری نصرت به تصویر می‌کشد. قرارگاه سری دومین محصول مشترک سازمان هنری رسانه‌ای اوج و بنیاد سینمایی فارابی است.

چهره

خرس طلای افتخاری برلین برای اسکورسیزی



مارتین اسکورسیزی در هفتادوچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین برای یک عمر دستاورد هنری، خرس طلایی افتخاری دریافت خواهد کرد. به گزارش ایسنا ارتباط اسکورسیزی با برلیناله در سال ۱۹۸۱ آغاز شد، زمانی که «گاو خشمگین» در جشنواره به نمایش درآمد و در فیلم «تنگه وحشت» نیز در بخش رقابتی برلین در سال ۱۹۹۱ به نمایش گذاشته شد. جشنواره برلین در سال ۲۰۰۳ میزبان نمایش «دار و دسته‌های نیویورکی» بود و این فیلم دوباره در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان بخشی از مرور آثار اسکورسیزی در جشنواره نمایش داده شد. فیلم کنسرت رولینگ استونز او با عنوان «درخشش یک نور» سال ۲۰۰۸ برلیناله را افتتاح کرد و «جزیره شاتر» نیز در سال ۲۰۱۰ در بخش خارج از رقابت برلیناله روی پرده رفت. آخرین فیلم بلند اسکورسیزی با عنوان «قاتلان ماه کامل»، اخیرا به‌عنوان بهترین فیلم سال ۲۰۲۳ توسط هیات ملی بازبینی در آمریکا انتخاب شده و به‌شدت برای فصل جوایز آتی مورد توجه قرار گرفته است. اسکورسیزی پیش از این در سال ۲۰۰۸ با فیلم «رفتگان» برنده اسکار بهترین کارگردانی شده بود. هفتادوچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین از ۲۶ بهمن تا ۶ اسفند در آلمان برگزار می‌شود.

رویداد

جایزه مراکشی‌ها به ساعد سهیلی رسید



دو جایزه بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر نقش اصلی مرد در هفدهمین جشنواره زاگورای مراکش به فیلم سینمایی «شهرک» به نویسندگی و کارگردانی علی حضرتی و تهیه‌کنندگی علی سرتیپی اختصاص یافت.

این فیلم سینمایی توانست در سومین حضور جهانی خود در هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی زاگورای مراکش دو جایزه اصلی بهترین فیلمنامه برای علی حضرتی و بهترین بازیگر نقش اصلی مرد برای ساعد سهیلی را از آن خود کند. این جشنواره که هر ساله در شهر زاگورا در کشور مراکش برگزار می‌شود، در این دوره هم از ۲۴ تا ۲۹ آذر برگزار شد و در این رویداد جهانی، آثاری از کشورهای مهم دنیا با هم به رقابت پرداختند. فیلم سینمایی شهرک پیش از این در جشنواره بین‌المللی «ترییولی لبنان» و «ویتره» فرانسه حضور پیدا کرده و توانسته بود دو جایزه اصلی این جشنواره‌ها را نیز از آن خود کند.

در این فیلم ساعد سهیلی، کاظم سیاحی، مهتاب ثروتی، همایون ارشادی، رویا جاویدنیا، شاهرخ فروتنیان، مرتضی ضرابی، ساقی حاجی‌پور به ایفای نقش پرداخته‌اند./ جام جم